



انس بن مالک

از شخصیت‌های نامی دوران صدر اسلام که هم افتخار مصاحبت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را داشته و هم تا دوران اموی در قید حیات بوده است، شخصیتی نامی به نام انس بن مالک است.

فهرست مندرجات

- ۱ - شرح حال اجمالی
- ۲ - خادم رسول الله
- ۳ - حضور در جنگ‌های پیامبر
- ۴ - راوی بزرگ حدیث
- ۵ - انس بن مالک در دوران خلفا
- ۶ - انس و اهل بیت
- ۶.۱ - انس و جنگ جمل
- ۷ - انس بعد از شهادت امام علی
- ۸ - انس بن مالک و حجاج
- ۹ - انس در منابع امامیه
- ۱۰ - مرگ انس بن مالک
- ۱۱ - فهرست منابع
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منبع

شرح حال اجمالی

نام کامل او انس بن مالک بن نصر بن ضمضم بن زید بن حرام بن جندب بن عامر بن غنم بن عدی بن نجار بن ثعلبه بن عمرو بن خزرج بن حارثة انصاری است که از قبیله خزرجیان مدینه و از طایفه بنی نجار می‌باشد. [۱] در واقع او هم از ناحیه پدر و هم از ناحیه مادر منسوب به طایفه بنی نجار است. مادر او ام سلیم دختر ملحان است و در مورد کنیه او آمده است که کنیه او اباحمره می‌باشد [۲] [۳] [۴] [۵] که به اسم عمویش نامیده شده است. [۶] کنیه ابا حمزه را رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او داده است و علاوه بر آن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او لقب ذوالاذنین را نیز داده است. [۷] تاریخ تولد او بین مورخین اختلاف است؛ اما با آن چه در ادامه به آن اشاره می‌شود، وی متولد سال ده قبل از هجرت معادل ششصد و دوازده میلادی است. [۸] او دارای فرزندان و اموال فراوان بود و نام یکی از همسرانش جمیله بود، جمیله کسی بود که بعد از جنگ اسلام و ایران، به عنوان برده جمیله معرفی شد. [۹]

خادم رسول الله

وی از جمله صحابی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به شمار می‌رود. او می‌گوید: وقتی که رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه آمد مادرم (و به قولی شوهر مادرم ابوطلحه) مرا که هشت سال سن داشتم به خدمت آن حضرت برد و گفت: یا رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)! مردان و زنان انصار هر کدام هدیه‌ای برای شما آوردند. من پیسرم را آورده‌ام که در خدمت شما باشد. از آن پس من به مدت ده سال به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خدمت کردم. انس را به همین دلیل خادم رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) لقب دادند. وی به این خدمتگاری افتخار می‌کرد. [۱۰] [۱۱] [۱۲]

حضور در جنگ‌های پیامبر

وی در بیشتر جنگ‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حضور داشت و حتی برخی همچون الجزری فائلدن وی در جنگ بدر نیز بوده [۱۳] است، البته در منابع تاریخی کسی به غیر از الجزری به آن اشاره نکرده است. به روایت دیگری منقول از انس، مربوط به غزوات نخستین مسلمانان - که ممکن است داله بر حضور او در آن جنگ‌ها تلقی شود - باید با کمال دقت و احتیاط نگریست، مانند پیغن گفتن او درباره جنگ احد؛ [۱۴] [۱۵] اما با این وصف، او در غزوات حدیبه، فتح مکه، حنین و خیبر حضور داشت و در رکاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جنگید. البته می‌توان حضور او را در جنگ بدر این طور توجیه کرد که وی به دلیل سن کم جنگجو نبوده، لیکن همراه با سپاهیان و در خدمت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است. [۱۶] [۱۷] [۱۸] [۱۹] [۲۰] پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای انس دعا کرد و لذا او دارای مال و فرزند فراوان و طول عمر شد و علتش دعای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حقش بود. [۲۱]

راوی بزرگ حدیث

او یکی از بزرگترین روات حدیث از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) است و حدود دو هزار و دویست و هشتاد و شش روایت نقل کرده است و بعد از ابوهریره و عبدالله بن عمر در کثرت روایت جایگاه سوم را دارا است و شمار احادیث او را ۲۸۶، ۲ مورد آورده‌اند. [۲۲] از این میان، ۱۶۸ حدیث را

بخاری و مسلم، و ۸۳ حدیث را تنها بخاری، و ۷۱ حدیث را تنها مسلم نقل کرده‌اند. [۲۳] [۲۴] با این‌همه برخی گفته‌اند، او احادیث اندکی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل کرده، و ظاهراً احادیث دیگر را به واسطه دیگر صحابه نقل می‌کرده است. [۲۵] وی به جز از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از امام علی (علیه‌السلام) هم حدیث نقل کرده است، انس از صحابیان دیگری همچون ابوبکر، عمر، عثمان، معاذ بن جبل، ابوهیره و جز آنان حدیث نقل می‌کرد. [۲۶] و گروه بسیاری از تابعین همچون ابن سیرین، شعبی، مکحول، قتاده و دیگران از او حدیث شنیدند. شمار روایان از انس را تا ۲۰۰ تن برشمرده‌اند. [۲۷] [۲۸] گفتنی است که بر پایه برخی روایات، ابوحنیفه، انس و چند تن دیگر از صحابه مانند ابوهیره را «عادل» نمی‌شمرد. [۲۹] [۳۰] [۳۱] وی از جمله روایانی بود که خصوصیات و شمایل پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را نقل کرده است. درباره خصوصیات فردی او آمده است که مبتلا به بیماری **برص** بود و هنگام **غذا** خوردن لقمه‌های بزرگ می‌گرفت. [۳۲] وی در میان مردم **بصره** دارای جایگاه بالایی بود، چرا که وقتی مردم بصره افتخارات شهرشان را بیان می‌کردند به حضور انس بن مالک در این شهر می‌بالیدند. [۳۳]

انس بن مالک در دوران خلفا

در دوران **خلافت** ابوبکر، انس به عنوان جمع‌کننده **خراج** از طرف خلیفه به **بحرین** رفت و بعد از ستاندن صدقات به مدینه بازگشت. در واقع ابوبکر او را با مشورت عمر به بحرین فرستاد و انس نیز وقتی به مدینه برگشت ابوبکر **وفات** کرده بود، لذا اموال را به عمر تحویل داد و با او **بیعت** کرد. عمر نیز آن مبالغ را که چهار هزار درهم بود به انس بخشید. [۳۴]

در دوران خلافت عمر بن خطاب، وی در جنگ **شوشتر** حضور داشت. در این **جنگ** او به همراه برادر خود از فرماندهان **ابوموسی اشعری** به شمار می‌رفت و فرماندهی سواره نظام را برعهده داشت. در واقع این همان جنگی بود که انس، برادر خود **براه** را از دست داد. [۳۵] او کسی بود **هرمزان**، سردار ایرانی، را به مدینه نزد عمر آورد و در واقع با فتوایش جان هرمزان را نجات داد. [۳۶] بعد از این جنگ، عمر ابوموسی را **والی** بصره کرد و طبق درخواست ابوموسی، وی سی نفر از صحابه پیامبر را به بصره برای یاری ابوموسی فرستاد که یکی از آنان انس بن مالک بود. [۳۷] [۳۸] [۳۹] [۴۰] [۴۱] [۴۲] [۴۳] [۴۴] [۴۵] از خصوصیات انس در این دوره این بود که وی انگشتی داشت که بر آن نقش **گرگ** یا **روباه** بود و علت آن این بوده که عمر بن خطاب نهی کرد که بر **نگین** انگشتی چیزی به **زبان عربی** بنویسند. اما بعد از مرگ عمر، بر روی انگشتش «محمد رسول الله» را نقش کرده بود و هرگاه به **توالت** می‌رفت آن را درمی‌آورد. [۴۶] انس فردی با **تقوی** و **مستجاب الدعوه** بود. این مطلب را می‌توان از ماجرای که در **طبقات** آمده فهمید. **ابن سعد** در کتابش آورده: یکی از سرپرستان زمین‌های انس بن مالک از خشکی و بی آبی **زمین** پیش او شکوه کرد. گوید: انس **نماز** گزارد و دعا کرد ابری پدید آمد و زمین او را پوشاند و چندان بارید که استخر از **آب** آکنده شد. [۴۷]

در دوران عثمان، در پی حمله به عثمان و شورش مردم برعلیه او، انس از جمله کسانی بود که به **حمایت** از عثمان پرداخت و در بصره در حمایت عثمان سخنرانی کرد. [۴۸] او در زمان خلافت عثمان، سیرین پدر محمد بن سیرین و برادرانش؛ یعنی یحیی بن سیرین و انس بن سیرین و معبد بن سیرین بزرگترین این برادران، از جمله آن اسیران بودند که اینان را انس بن مالک انصاری آزاد کرد. [۴۹]

انس و اهل بیت

او پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با ابوبکر بیعت کرد و در مورد امام علی (علیه‌السلام) ابتدا **سکوت** کرد، لکن بعدها به نقل **فضایل** و **مناقب** آن حضرت پرداخت. از جمله روایت‌ها این است: انس بن مالک گفت **پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** می‌فرمود فردای **قیامت** هفتاد هزار نفر از پیروان من بدون حساب به **بهشت** وارد می‌شوند، سپس به طرف علی (علیه‌السلام) **التفات** کرده فرمود آنها **شیعه** تواند و تو امام آنهائی. [۵۰] **ابن ابی الحدید** در شرح خود، علت سکوت انس بن مالک را رسیدن به مال دنیا و یاری دشمنان آن حضرت دانست. [۵۱]

در بسیاری از منابع آمده است که وی مورد **نفرین** امام علی (علیه‌السلام) قرار گرفت. علت آن در **ارشاد** چنین ذکر شده: انس بن مالک هم که در **روز غدیر** حضور داشته و اتفاقاً آن روز هم در میان این عده **انصار** بود صحبت فرموده، علی (علیه‌السلام) را **گواهی** نمود، علی (علیه‌السلام) به او متوجه شده فرمود ای انس تو چرا **شهادت** ندادی و گفته مرا **تصدیق** نکردی با اینکه تو هم مانند دیگران فرموده **پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** را **استماع** کرده بودی عرض کرد یا علی من اکنون **پیر** شده‌ام و از چنین سخنی که می‌گوئی و از من گواهی می‌طلبی چیزی به یاد ندارم. علی (علیه‌السلام) از سخن آن انس بن مالک متأثر شده او را **نفرین** کرد پروردگارا اگر این بیچاره **دروغ** می‌گوید وی را به **پبسی** مبتلا کن که هیچ گاه **عمامه** آن را مستور نکند. **طلحه** گفته **خدا** گواه است پس از این، میان دو **چشم** او را دیدم که لکه پبسی فراگرفته بود [۵۲] و این لکه تا آخر عمر در میان دو چشمانش نمایان بود. البته در **تاریخ الفی** آمده است که در زمان **جنگ جمل**، امام انس را ماموریت داد تا نزد **عایشه** و **طلحه** و **زبیر** برود و سخنانی را که **امام** بیان نمود برساند؛ اما انس هیچ یک از سخنان امام را به آنان نگفت و به همین سبب امام او را **نفرین** کرد. [۵۳]

← انس و جنگ جمل

او در زمان جنگ جمل همچون **سعد بن ابی وقاص** کنار کشید و در **لشکر** هیچ یک از دو طرف **نبرد** نرفت [۵۴] و در واقع وی از **مرحنه** به شمار آمد. از او نقل شده است که **خداوند** دوستی علی و عثمان را در **دل** مومنی جمع نکرد؛ اما خداوند دوستی هر دوی اینان را در دل‌های ما قرار داد. [۵۵] از جزئیات زندگی او در دوران خلافت **امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)** آگاهی چندانی در دست نیست، گرچه از مواضع او در برابر جنگ جمل می‌توان **حدس** زد که در این حوادث، از جانب‌داری خاصی **پرهیز** می‌کرده است. [۵۶]

انس بعد از شهادت امام علی

از او در مورد **امام حسن (علیه‌السلام)** روایتی نقل شده مبنی بر این که امام حسن (علیه‌السلام) شبیه‌ترین افراد به پیامبر **اسلام** (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. [۵۷] در زمان حکومت **معاویه**، وی چند بار با معاویه بحث نمود و حتی در چند مورد با درشتی بسیار با معاویه سخن گفت اما معاویه از آن چشم پوشی کرد و حتی از **عمرو عاص** خواست که انس را با **وعد** و **وعید** و **احسان** راضی نگهدارد. [۵۸] [۵۹] انس به جهت مخالفت با معاویه در **نماز شرکت** نمی‌کرد و این باعث شده بود که مردم نیز در نماز او شرکت نکنند و لذا معاویه سعی می‌کرد به هر صورت انس را راضی نگه دارد. در دوران یزید بن معاویه، زمانی که سر **امام حسین (علیه‌السلام)** را نزد ابن زیاد می‌آوردند او در مجلس حضور داشت و گفته بود که حسین (علیه‌السلام) به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شباهت داشت. [۶۰] [۶۱] در دوران خلافت **ابن زبیر**، وی مدتی از طرف ابن زبیر **امام جماعت مسجد** بصره بود و مدت چهل روز در آن **نماز** می‌خواند تا این که بعد از چهل روز ابن زبیر او را از سمتش **خلع** کرد. [۶۲]

انس بن مالک و حجاج

در تواریخ آمده است که حجاج بر گردن انس مهر سربی زد تا به این وسیله او را خار و زیون کند. در **تاریخ طبری** علت امر چنین ذکر شد: **ابو عون** گوید: حجاج را دیدم که کس پیش **سهل بن سعد** فرستاد و او را پیش خواند و گفت: چرا امیرمؤمنان، عثمان را یاری نکردی؟ گفت: یاری کردم، گفت: دروغ می‌گویی و بگفت تا مهر سربی به گردن وی نهادند. [۶۳] بی احترامی و ناسزا گویی حجاج به انس بسیار فراوان بود و حتی در چند مورد انس را تهدید به **مرگ** کرده است. به عنوان مثال روزی به او گفت: ای انس یک روز همراه مختاری و روزی دیگر همراه پسر اشعث، در فتنه‌ها و شورش‌ها جولان می‌دهی، به خدا **سوگند** تصمیم دارم ترا زیر سنگهای سنگین **آسیا** خرد کنم و نشانه تیرها قرار دهم. این امر باعث شد که انس با عبدالملک مکاتبه کند. **عبدالملک بن مروان** شدیداً از کار حجاج خشمگین شد و **حجاج** را مجبور به عذرخواهی از انس کرد. [۶۴] [۶۵]

همچنین بنا بر مجموعه روایات مشهوری، میان انس و حجاج بعدها نیز اختلاف پیدا شد. به روایتی، این اختلاف پس از شورش **ابن جارود** در بصره و پس از کشته شدن عبدالله فرزند انس که در **سپاه** ابن جارود بود، روی داد و بر اثر آن انس مغضوب، و اموالش ضبط شد. [۶۶] [۶۷] [۶۸] [۶۹] [۷۰] [۷۱]

در منابع امامیه، برخی چون **شیخ طوسی**، [۷۲] تنها به ذکر اینکه او خادم پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است، بسنده کرده‌اند، ولی در دیگر منابع او را به طور کلی از منصرفان از امام علی (علیه‌السلام) شمرده‌اند. مشهورترین سبب **شهرت** او در **انحراف** از امام علی (علیه‌السلام) -گذشته از کناره‌گیری او در آن دوران- روایت معروف به «**مناشده**» است که او حدیثی را در **مناقب** امام (علیه‌السلام) به بهانه **پیری** و **فراموشی کتمان** کرد و امام علی (علیه‌السلام) او را به همین سبب نفرین فرمود. [۷۲] [۷۴] [۷۵] همچنین بنا بر روایتی منقول از **حضرت صادق (علیه‌السلام)**، انس یکی از ۳ تنی بود که بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) **دروغ** می‌بستند. [۷۶]

مرگ انس بن مالک

در تاریخ مرگ انس بین مورخین اختلاف است. برخی وفات او را سال نود و یک نوشته و برخی سال نود را سال وفاتش عنوان کرده‌اند. برخی سال نود و برخی دیگر سال نود و سه را **تاریخ** مرگ انس دانستند. [۷۷] ظاهراً وی آخرین صحابی در بصره بود که درگذشت و پیش از مرگ از خود صد و بیست **فرزند** نرینه بر جای گذاشته بود. [۷۸] به قول **جاحظ** [۷۹] از میان فرزندان او، عده‌ای در **فقه** و **زهد** و **خطابه** به مقامی شامخ رسیدند. خود وی گفته بود که غیر من کسی نمانده است که به دو **قبله** نماز خوانده باشد. [۸۰] در زمان مرگش **وصیت** کرده بود که یادگاری که از **رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** داشته را با او دفن کنند. [۸۱] در میزان سن او در هنگام وفات نیز اختلاف است برخی سن او را نود و نه، برخی صد و برخی صد و سه سال دانستند. [۸۲] [۸۳] [۸۴] [۸۵] [۸۶]

در اواخر عمر او، بیماری گریبان‌گیرش شد به طوری که یک سال پیش از مردن از **روزه** گرفتن ناتوان بود و نمی‌توانست روزه بگیرد. [۹۴] چون مرگ انس بن مالک فرا رسید وصیت کرد که محمد بن سیرین جنازه اش را بشوید و بر او نماز بگذارد. محمد بن سیرین در آن هنگام **زندانی** بود. مردم پیش حکمران بصره که مردی از خاندان **اسید** بود رفتند و او به محمد بن سیرین **اجازه** داد. محمد از زندان بیرون آمد و پیکر انس را شست و **کفن** کرد و در قصر انس که در جانب **صحرا** بود بر پیکرش نماز گزارد. **قبر** او در نزدیکی **وادی السباع**، منطقه‌ای در بصره است. [۹۵]


فهرست منابع

- (۱) ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م.
- (۲) ابن اثیر، علی، اسدالغابه، قاهره، ۱۳۸۰ق.
- (۳) ابن اثیر، علی، الکامل.
- (۴) ابن بابویه، محمد، امالی، بیروت، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.
- (۵) ابن بابویه، محمد، الخصال، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۲ق/۱۳۶۲ش.
- (۶) ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابه، قاهره، ۱۳۲۸ق.
- (۷) ابن حزم، علی، جوامع السیره، به کوشش احسان عباس و ناصرالدین اسد، قاهره، دارالمعارف.
- (۸) ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
- (۹) ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، نسخه خطی کتابخانه احمد ثالث، شم ۲۸۸۷.
- (۱۰) ابن قتیبه، عبدالله، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۹۶۰م.
- (۱۱) ابونعیم اصفهانی، احمد، معرفة الصحابه، به کوشش محمد راضی حاج عثمان، ریاض، ۱۴۰۸ق.
- (۱۲) بخاری، محمد، صحیح، بولاق، ۱۳۸۵ق.
- (۱۳) بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش محمد حمیدالله، قاهره، ۱۹۵۹م.
- (۱۴) جاحظ، عمرو، البرصان و العرجان، به کوشش محمد مرسی خولی، قاهره، ۱۹۷۳م.
- (۱۵) حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک، بیروت، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م.
- (۱۶) ذهبی، محمد، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۹۶۰م.
- (۱۷) ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۸۱-۱۰۰۰ق)، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
- (۱۸) ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
- (۱۹) زبیر بن بکار، الاخبار الموفقیات، به کوشش سامی مکی عانی، بغداد، ۱۹۷۳م.
- (۲۰) شیخ طوسی، محمد، رجال، نجف، ۱۳۸۰ق.
- (۲۱) طبری، تاریخ.
- (۲۲) کنشی، محمد، معرفة الرجال اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش.
- (۲۳) کلیبی، هشام، نسب معد و الیمن الکبیر، به کوشش محمود فردوس عظم، دمشق، داراللیقطة العربیه.
- (۲۴) مزی، یوسف، تهذیب الکمال، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م.
- (۲۵) نووی، یحیی، تهذیب الاسماء و اللغات، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- (۲۶) یعقوبی، احمد، تاریخ، بیروت، ۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م.

پانویس

- ↑ ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۱۰۹.
- ↑ کلیبی، هشام، نسب معد و الیمن الکبیر، ج ۱، ص ۴۰۰.
- ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۱۲.
- ↑ ابن الاثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۱۵۱.
- ↑ ابن قتیبه، عبدالله، المعارف، ص ۳۰۸.
- ↑ ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۱۰۹.
- ↑ ابن الاثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۱۵۱.
- ↑ زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ۲، ص ۲۴-۲۵.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۳۳۵.
- ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۲.
- ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۹.
- ↑ ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۵۰۲.
- ↑ ابن الاثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۱۵۱.
- ↑ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۲۰.
- ↑ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۹۸.
- ↑ ابن الاثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۱۵۱.
- ↑ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۹، ص ۳۶۱.
- ↑ ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۶، ص ۲۹۲.

١٩. ↑ **ذهبي، محمد، سير اعلام النبلاء**، ج ١، ص ١٢٧، ١٢٨، ١٢٩.
٢٠. ↑ مفريري، احمد بن علي، امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و امتاع، ج ١٢، ص ١٧.
٢١. ↑ ابن حزم، علي، جوامع السيره، ج ١، ص ٢٧٥-٢٧٦.
٢٢. ↑ نووي، يحيى، تهذيب الاسماء و اللغات، ج ١، ص ١٢٧.
٢٣. ↑ ابن حزم، علي، جوامع السيره، ج ١، ص ٢٧٥-٢٧٦.
٢٤. ↑ حاكم نيشابوري، محمد، المستدرک، ج ١، ص ١٥٤.
٢٥. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ٢٦.
٢٦. ↑ ذهبي، محمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤١٧.
٢٧. ↑ مزي، يوسف، تهذيب الكمال، ج ٣، ص ٢٥٢.
٢٨. ↑ ابن ابي الحديد، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ٤، ص ٦٨.
٢٩. ↑ ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، ج ٦، ص ٢٨٩.
٣٠. ↑ ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، ج ١، ص ٣٧.
٣١. ↑ ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، ج ٦، ص ٢٩٥.
٣٢. ↑ قمى، حسن بن محمد بن حسن، تاريخ قم، ص ٢٩٤.
٣٣. ↑ ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، ج ٦، ص ٢٩٢.
٣٤. ↑ دينوري، ابوحنيفه، اخبار الطوال، ص ١٢٠.
٣٥. ↑ ابن خلدون، تاريخ ابن خلدون، ج ٢، ص ٥٥٢.
٣٦. ↑ بلعمي، ابو علي، تاريخنامه طبري، ج ٣، ص ٤٨٩.
٣٧. ↑ عسقلاني، احمد بن علي بن حجر، الاصابة في تمييز الصحابة، ج ١، ص ٢٧٦.
٣٨. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٥، ص ٨٩.
٣٩. ↑ بلاذري، احمد، انساب الاشراف، ج ١، ص ٤٩١.
٤٠. ↑ دينوري، ابوحنيفه، الاخبار الطوال، ج ١، ص ١٢٠.
٤١. ↑ دينوري، ابوحنيفه، الاخبار الطوال، ج ١، ص ١١٨.
٤٢. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٣، ص ١٦٩.
٤٣. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٣، ص ١٨٣.
٤٤. ↑ ابن ابي الحديد، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ٣، ص ١٤١.
٤٥. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ٢٢.
٤٦. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ٢١.
٤٧. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٦، ص ٢٢٢٢.
٤٨. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، ص ٢٤٤.
٤٩. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ص ٣٠.
٥٠. ↑ ابن ابي الحديد، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ٤، ص ٧٤.
٥١. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ص ٢٥١.
٥٢. ↑ توي، قاضي احمد، تاريخ الفى، ج ١، ص ٢٠٠.
٥٣. ↑ امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ١١١.
٥٤. ↑ ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، ج ٦، ص ٢٩٥.
٥٥. ↑ ابن ابي الحديد، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٠.
٥٦. ↑ ابن الاثير، علي بن محمد، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ١، ص ٤٩٠.
٥٧. ↑ توي، قاضي احمد، تاريخ الفى، ج ٤، ص ٢٤٢٦.
٥٨. ↑ ابن عساکر، علي، تاريخ مدينة دمشق، ج ٣٧، ص ٥٤.
٥٩. ↑ مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، ج ٦، ص ١٢.
٦٠. ↑ بخارى، محمد، صحيح، ج ٥، ص ٢٦.
٦١. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، ج ٦، ص ٣٤٢.
٦٢. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٥، ص ٢٥.
٦٣. ↑ دينوري، ابوحنيفه، اخبار الطوال، ص ٢٢٢-٢٢٤.
٦٤. ↑ يعقوبى، احمد، تاريخ يعقوبى، ج ٣، ص ٢٧٢.
٦٥. ↑ ابن اثير، علي، الكامل فى التاريخ، ج ٤، ص ٢٨٥-٢٨٦.
٦٦. ↑ ابن بكار، زبير، الاخبار الموفقيات، ج ١، ص ١٢٢-١٢٤.
٦٧. ↑ بلاذري، احمد، انساب الاشراف، ج ١، ص ٢٤٩.
٦٨. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، ج ٥، ص ٢٥.
٦٩. ↑ دينوري، ابوحنيفه، الاخبار الطوال، ج ١، ص ٢٢٢-٢٢٤.
٧٠. ↑ ذهبي، محمد، سير اعلام النبلاء، ج ٣، ص ٤٠٤.
٧١. ↑ طوسى، محمد بن حسن، رجال، ص ٢١.
٧٢. ↑ طوسى، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٤٦.
٧٣. ↑ ابن بابويه، محمد بن علي، امالى، ج ١، ص ١٨٤.
٧٤. ↑ ابن قتيبه، عبدالله، المعارف، ج ١، ص ٥٨٠.
٧٥. ↑ ابن بابويه، محمد بن علي، الخصال، ج ١، ص ١٩٠.
٧٦. ↑ ابن اثير، علي بن محمد، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ١، ص ١٥٢.
٧٧. ↑ مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، ج ٥، ص ١١٧.
٧٨. ↑ جاحظ، عمرو، البرصان و العرجان، ج ١، ص ١٢٦.
٧٩. ↑ عسقلاني، احمد بن علي بن حجر، الاصابة في تمييز الصحابة، ج ١، ص ٢٧٦.
٨٠. ↑ ابن اثير، علي بن محمد، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ١، ص ١٥٢.
٨١. ↑ عسقلاني، احمد بن علي بن حجر، الاصابة في تمييز الصحابة، ج ١، ص ٢٧٧.
٨٢. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ٢٥-٢٦.
٨٣. ↑ بلاذري، احمد، انساب الاشراف، ج ١، ص ٢٤٨.
٨٤. ↑ ابونعيم اصفهاني، احمد، معرفة الصحابه، ج ١، ص ٢٢٤-٢٢٥.
٨٥. ↑ ذهبي، محمد، سير اعلام النبلاء، ج ٣، ص ٤٠٦.
٨٦. ↑ ابن اثير، علي، اسد الغابه، ج ١، ص ١٢٨-١٢٩.
٨٧. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ٢٥.
٨٨. ↑ ابن قتيبه، عبدالله، المعارف، ج ١، ص ٢٠٩.
٨٩. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ١٩-٢٠.
٩٠. ↑ ذهبي، محمد، تاريخ الاسلام، ج ٦، ص ٢٩٦.
٩١. ↑ ابن حجر عسقلاني، احمد، الاصابة، ج ١، ص ٢٧٦.
٩٢. ↑ زرکلى، خير الدين، الاعلام، ج ٢، ص ٢٤.
٩٣. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ١٨.
٩٤. ↑ ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، رحله ابن بطوطه، ج ١، ص ١٢٢.

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «انس بن مالک»، ج ۱۰، ص ۴۰۵۲. 
سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «انس بن مالک»، تاریخ بازیابی ۹۵/۰۱/۲۱. 

رده‌های این صفحه : رجال | صحابه | راویان حدیث | درگذشتگان سده 1 (قمری)